

در مقابل خرجی که اداره زندان برای او می نماید نمره عملی  
میبخشد.

علاوه بر کار لازم است که در زندان کلاسهای درس  
دایر گردد - اولاً چون از طرفی بتوجهات مخصوص ملوکانه  
از هر حیث دامنه فرهنگ توسعه یافته روز بروز از عده بی  
سوادان کسر میشود از طرف دیگر بادقت در آمار جزائی  
مشاهده میگردد بیش از هشتاد درصد اشخاص که مرتکب  
گناهان دزدی - ولگردی - کدائی - قمار بازی - ضرب  
وجرح از این قبیل جرائم میشوند مردمانی هستند بکلی عامی  
و شک نیست که یکی از علل مهم ارتکاب این قبیل گناهان  
همان جهل کامل و کوری روح است با تدریس در زندان از  
عده بی سوادان بطریق رضایت بخش کسر شده و بدیهی است  
از علت ارتکاب نیز کاسته میشود

ثانیاً چون امروز در هر مرحله زندگانی با ترقیات  
روز افزونی که پیدا شده کار کردن مستلزم داشتن مقداری  
سواد است با تعلیمات که در زندان داده میشود وسیله کار  
بزندانی داده شده و از علت دیگر جرائم نامبرده که قسمت  
عمده آمار جزائی را تشکیل میدهند کاسته میشود

البته در زندان طبقات مختلف دانش آموز تنظیم شده  
و بانهایی که واجد سواد اولیه هستند دروس آریخ و اخلاق  
و قانون داده میشود و کشفز انسهای مفید شاه دوستی و میهن  
پرستی دایر میگردد - لازم است هر زندانی را که بسن ۲۱ سال

نرسیده ( مرحله که امید تربیت بیشتر است ) و ادار نمود  
که در این کلاسها حاضر شده و آنهایی هم که از این سن  
تجاوز نموده و مدت زندانیشان بیش از چهار ماه است  
بدرخواست خود آنها شرکت مینماید و برای آنکه تحصیل مانع  
کار نباشد ساعت درس را پس از فراغت از خدمت مثلاً بین  
پنج بعد از ظهر ساعت هشت قرارداد مخصوصاً این موقعی  
است که زندانیان بعالت فراغت کامل با یکدیگر شروع بدرد  
دل کوئی و مصاحبه نموده و اغلب خطرناک و برای تربیت  
آنها و آسایش جامعه مضر است

علاوه برین دروس علمی نیز کلاسهای فنی و حرفه  
درست شود از قبیل صحافی - نجاری - دوزندگی - درود  
گری که هر کس بنا بذوق و سابقه خود یکی از آن شعب را  
اختیار نموده و پس از طی ایام زندانی بایک حرفه شرافت  
مندانه زندان را ترک نموده و در عین حال در طول مدت مجازات  
از وجود او استفاده شده است این خود تأمینی است برای عدم  
تکرار گناه و از دیاد قدرت گار و تولید در کشور

در هر حال شك نیست که در این دوره مرفقی این  
قسمت نیز کاملاً مورد توجه اولیای امور هماطور که در اصلاح  
زندان قدمهای بزرگ برداشته شده نیز واقع گردیده و منظور  
اصلي وضع کیفر و اثرات آن بهتر دیده شود

دکتر محمد شاهکار

## دیباچه در امر طلاق

حقوقی نوع مرد بر زن و بحث و تحقیق از علت آن مقتضی  
تحقیق و جستجوی علت قاعده کلی قیوموت رجال بر نسوان  
و تشخیص حدود حکومت قاعده مزبور و مبنای عقلی آنست  
بالاستلزام برای ایضاح مطلب و ربط دلیل بمدعی با احتراز  
از اطمینان و اطاله دامنه تحقیق توسعه داده میشود تا در  
اصل منظور نظر بتوضیحات قبلی ذهن خواننده مسبوق و  
روشن باشد .

گرچه در این مقاله موضوع بحث ما گفتگو و تحقیق  
در تمامت شئون اجتماعی زن و مقایسه استعداد و قابلیت  
طبیعی و حقوقی زنان نسبت بمردان نیست بلکه فقط مورد  
سخن مستقیماً بحث در طلاق و بیان علت حقوقی نفویض  
این اختیار در حقوق اسلامی علی الاصل بمرد است و لکن  
آنچنانی که نبوت این حق برای مردیکی از مراتب سلطه

این نکته قبلاً خاطر نشان میگرد که برخلاف صورتی که ممکنست در بادی نظر در ذهن خواننده این مقاله از توجه بعنوان آن نوع مقالاتیکه در این مقوله نشر یافته است تولید گردد منظور استدلال بکطرفی بر محکومیت زن در تمام شئون اجتماعی نیست بمرور بابرعکس تفضیل زن از هر جهه بر مرد نبوده بلکه با امساک کامل از دخالت احساسات و عواطف و اتخاذ دلائل استحساناتی پایه تحقیق متکی بمبانی عقلی و نظر بر تحقیق حق و بیان حدود سلطه مرد بر زن در حدود مصالح فطری و طبیعی است و البته در موقع خود بمناسبت مقام فضائل فطری هر یک از ایندو فرد و تأثیر آن و روابط منصفانه ذکر خواهد شد تا بمقتضای تحقیق مقصود آداء و بر تأثیر سخن بیفزاید.

### مقدمه اول

در باب حقوق اجتماعی زن و سنجش ضعف و قوت قوای عقلانی و جسمانی او چنانکه در ضمن بیان اصل مطلب اجمالاً توضیح خواهد شد چه از ناحیه صاحبان شرایع و ادیان در طی جمل احکام و قوانین اجتماعی و چه از ناحیه بزرگان علم و اخلاق آراء و عقاید بسیار صادر شده است که جز نظرات ارباب شرایع و حکمای اجتماعی که نوعاً متکی بمآخذ عقلی و منطبق با مصالح قوم بوده است سایر عقاید و آراء کمتر مبنی بر تحقیق و غالباً مأخوذ از عواطف و احساسات و احیاناً آلوده بغرض خاص دیده میشود که بدین لحاظ اینگونه عقاید با اینکه ممکن است ظاهراً فریبنده و مقبول عوام باشد در مقام تحقیق نمیتواند مناط اعتبار و در خور پیروی واقع شده و از این رو ما هم با ذکر مقدمه دیگری در مقام اثبات مقصود عقاید شخصی را مستند تحقیق قرار نداده و ملاحظه نظریه خود را در درجه اول تحقیقات علمی و در ثانی مبانی منقوله از ملل و نحل خواهیم شناخت.

### مقدمه ثانی

آنچه بدلیل تقل از مطالعه در تاریخ زندگانی بشری و ملاحظه آداب و قوانین اجتماعی اقوام مختلفه بانطوراتی

که تا این عصر حاصل کرده است ثابت است تباین فردی بین مرد و زن و اختلاف وظائف آنان در روابط حقوقی و شئون اجتماعی ایندو صنف منشاء اختلاف و باختلاف مقتضیات هر عصر و زمان کم و بیش موجب مزیت حقوقی مرد بر زن شناخته شده است و چون منظور ما بیشتر کشف علت طبیعی این اصل و پیشرفت و بقاء هر اصلی از اصول مدنی هم به نسبت رواج و بقاء آن متکی بیکدیگر از علل طبیعی و منطبق با استعداد و حوائج فطری افراد بشر و حوائج فطری نیز تابع ساختمان مزاجی و تمایلات ترکیبات جسمانی است این است که ناچار بدو در کیفیت ترکیب جسمانی و سنجش قوای دماغی زن و نسبت آن بمراد از تحقیقات علمای فن و وظائف الاعضاء (فیزیولوژی) استمداد نموده تا میزان تفاوت استعداد عقلی هر یک از مرد و زن از نقطه نظر خلقت و تشخیص سپس نتیجه مربوطه اخذ شود و پیش از سخن در تشریح جسمانی این مطلب برای جلوگیری از سوء تفاهم تذکر داده میشود که این نظریه محققاً ثابت است که از نقطه نظر خلقت افراد انسانی اناثاً و ذکوراً هر یک با وظائفی که دارند در حد خود کامل خلق و صرف تباین از حیث مردی و زنی دلیل کمال مرد و نقص زن نبوده بلکه هر یک از ایندو صنف در عین کمال فردی در تشکیل خانواده و رفع حوائج مکمل دیگری هستند و اگر اختلافی در کار است مربوط باختلاف وظائف و مصالح نظاماتی است که تفصیل این اجمال در محل خود با ذکر ادله بیان خواهد شد اینک شروع به تحقیق می شود.

### تشریح جسمانی

تحقیقات و عقاید علمی در باب ساختمان زن باقیاس آن نسبت بساختمان مزاجی مرد بطوریکه در تمام دائره المعارف های شرقی و غربی ثبت شده است خلاصتاً بدین مفاد است که زن تشریحاً دارای انتظام و مقاومت و قدرت کمتریست نسبت بمراد که این ضعف غیر قابل تردید در تمامی اعضاء و نواحی و اعمال وی منعکس میشود و بالجمله زن از

جهت ساختمان نسبت بمرد مشابه بانژادی نازلتر و ساختمان مرد از او کاملتر است بطوریکه اگر استخوان مرد و وزن هم سنی را تجزیه نمائیم خواهیم دید که کربنات دوشوی مرد ۹۸٫۹ و از آن زن ۲۵٫۴ در صورتی که کربنات دوشو قسمت سفید استخوان میباشد و استخوان مایه استحکام قوائم است .

لکن بطوریکه فوقاً اشاره شد از لحاظ اینکه هر يك از مرد و زن برای کار دیگری خلق شده اند نمیتوان از نقطه نظر خلقت استفاده نقصان در حق زن نمود بلکه بنسبت وظائف مقرره همچنانکه خلقت مرد کامل شناخته می شود خلقت زن نیز کامل و برای اجرای وظائف اجتماعی خود تا حدی که سازگار با فطرت اوست نقصه و کسری ندارد اینست که بطور کلی مقایسه صحیح نبوده و اغلب نظریات از لحاظ استنباط بر مبانی ظاهریه میزان شناخته نشده زیرا مقایسه هر عضوی بعضو دیگر بقصد ترجیح یکی برد دیگری در صورتی جایز است که بین آن دو عضو اشتراك خاصیت موجود و خاصیت مشترك طرف مقایسه قرار گیرد والا اگر در طرفین مقایسه سنخیت و مشابهتی موجود نباشد مقایسه غلط و نتیجه صحیح نخواهد بود مثلاً جنس زن بر حسب قابلیت فطری توانای وضع حمل و ارضاع طفل است ولیکن مرد بی بهره از این توانائی است یا برعکس مرد دارای صفت خاصی است که لازمه ساختمان مزاجی او وزن فاقد آن صفت است در هیچ يك از این دو مورد نمیتوان واحد صفت را بر فاقد صفت فضیلت و رجحان داد بنابراین در سنجش قوای دماغی مرد و زن بایستی مواردی را مورد قیاس قرار داد که در انجام آن متساوی الاستعداد فرس شوند تا منشاء و موارد اختلاف تشخیص و بمقتضای آن تحقیق بعمل آید بر تأیید نظریه فوق که زن از نقطه نظر خلقت نقص نداشته و فقط بمقتضای بینونت بعض تکالیف و حوائج فطری در روابط حقوقی نسبت بمرد معایر شناخته شده علاوه بر ایقان ناموس کون که هر چیزی را بجای خود نیکو ساخته بکامل ترین

سخنان برهانی که صادر از مقام دیگری است استناد می جوئیم بطوری که در ضمن مبحث طلاق تصور تشکیلات خانواده ها و سیر و تحول شخصیت زن در جامعه توضیح داده خواهد شد در صورت اولیه و قرون سابقه قبل از طلوع اسلام احوال زنان بینهایت درهم و عقاید عامه نسبت باین عضو شریف و مکمل جامعه انسانیت بحدی مضطرب و تاریک بود که زن را مخلوقی غیر از جنس مرد تصور و بر این عقیده اثرانی مترتب میساخته که بحکم ناموس تصور این عقاید فاسده به دست اسلام اصلاح و اوهام و خرافات جاهلیت مرتفع گردید. از جمله آیاتیکه در مقابل آراء منکرین وحدت جنسی زن بامرد و در مقام معارضه با صاحبان عقاید مزبور ابراد و در جامعه اسلامی موجب تهذیب و تحسین عقاید اقوام نسبت بزن شده آیات ذیل است :

۱ - ان خلقکم من الفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودتاً ورحمة .

۲ - یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده وخلق منها زوجها وبت منها رجلاً کثیراً و نساء .

۳ - یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا ان اکر مکم عندالله اتقیکم .

۴ - من یعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة .

۵ - فاستجاب لهم ربهم انی لا اضع عمل عامل منکم من ذکر او انثی .

۶ - وعدالله المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و مساکن طیبه فی جنات عدن و رضوان من الله الا کبر .

بطوری که ملاحظه میشود از مضمون این آیات بکلی افکار احبار و رهبانان انصار و توده جاهلیت که باعتقاد مغایرت جنسی زن نسبت بمرد زحمات عبادی زن را نیز غیر ماجور میپنداشتند.

اصلاح در جامعه اسلامی با این سنخ عقاید مقام زن را گرامی داشته و در ذیل این آیات اخبار و احادیث پیشوایان دینی و کلمات بزرگان اخلاق فراوانست که در حفظ مقام زن بی نهایت توصیه شده بنابراین در متن حقوق اسلامی شخصی که موهن مقام اجتماعی زن باشد نیست بلکه اگر اقوالی یافت شود که با بیانی عقلانی معارضه و حاکی از سوء نظر باشد قطعاً متخذ از مبانی اسلامی نبوده و ناشی از افکار عامیانه توده اقوام و خرافات ادیان سالفه است که برور زمان رسوخ و انتشار یافته و رفته رفته منزلت معتقدات دینی بخود گرفته است - گواه صدق مراتب احکام و

حقوق اجتماعی و خانوادگی زن در قانون اسلامی است که با مقایسه آن نسبت با حکام و متمارفات ادیان و ملل سالفه استواری اصول احکام آن واضح و با ملاحظه اینکه از فروع احکام بمقتضای مصالح وقت و زمان حق اجتهاد و تهذیب داده شده دیگر مجالی برای تصور عامیانه یا مغرضانه دیگران باقی نمیماند که در شایستگی و ملائمت قوانین اسلامی راجع بوظایف و حقوق زن یا طبیعت اجتماعی نسوان احتمال خطائی رود و برای ثبات این معنی اجمالا بین آراء ملل مختلفه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام مقایسه بعمل میآید. مرتضی سرمد

حقوق بین الملل

## اسلحه های ممنوع در جنگ

با اینکه مسئله ممنوعیت استعمال بعض از اسلحه ها هنوز نتوانسته است در حقوق بین الملل يك فصل كلي و غیر قابل تنازعی را تشکیل دهد مع هذا میتوان گفت که علمای حقوق و سیاستمداران دول عالم راجع بوضع يك سلسله مقررات برای عدم استعمال بعض از سلاح ها از هیچگونه جدیتی فروگذار نکرده اند.

اولین قدم موثری که در این راه برداشته شده از قرار داد سن بطرزبورخ باینطرف است. زیرا در کنفرانسی که در ۱۸۶۸ در این شهر تشکیل گردید رسماً اعلام شد که استعمال وسایل بیرحمانه در جنگ ممنوع است

کنفرانس دیگری در ۱۸۷۴ راجع باستعمال بالن هوایی در بروکسل تشکیل و راجع بعدم ممنوعیت اکتشاف هوایی بوسیله بالن بحث مفصلي گردید و بالاخره این اصل مورد قبول واقع شد که رانندگان بالن را نباید جزو جاسوسین قلمداد کرده و آنها را اعدام نمود

انجمن دیگری در ۱۸۹۹ در لاهه تشکیل و رسماً تصمیم گرفته شد که جنگ هوایی و جنگ با کاز ممنوع باشد

راجع باین موضوع باید متذکر شد که این انجمن استعمال یکی از اسلحه هائی را منع مینمود که بشر خیال نمیکرد يك روزی از قوه به فعل در بیاید و این اسلحه طیارات مختلف و خدماتی است که میتوانند در موقع جنگ انجام دهند و همین مناسبت ترقی روز افزون این صنعت مجدداً دول را وا دار کرد که در ۱۹۰۷ انجمنی در لاهه تشکیل داده و راجع باستعمال آن بحث نمایند و با اینکه بد بینی کاملی در آن محیط حکم فرما بود نماینده گان دول ذی نفع سعی کردند که راه حلی برای مسئله پیدا نمایند و بالاخره قرار دادی در آنجا بسته شد که مواد مهمه آن از قرار پائین است:

امضا کنندگان پائین: بمناسبت تمایلاتی که در اعلامیه سن بطرز بورخ مورخه ۲۹ نوامبر ۱۸۶۸ مندرج بوده و خواهان این هستند که مضمون اعلامیه لاهه ۱۸۹۹ که تاریخ آن منقضی شده تجدید کنند اعلام میدارند: دول متعاهد برای مدتی که تا آخر سومین انجمن صالح اطاله پیدا میکند رضایت میدهند که الداختن گلوله